



بهزاد خوئی قراحسنلو
دانشجوی دکترای حقوق بین الملل
رئیس دفتر مرکز داوری اتاق ایران در ارومیه و
مشاور حقوقی اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ارومیه
مدرس دانشگاه

نگاهی به داوری تجاری بین المللی

مقدمه

داوری یعنی اینکه طرفین اختلاف، شخص یا اشخاصی را انتخاب کنند تا به اختلاف میان آنها رسیدگی کند و نظرش را بگوید و آنها هم متعهد شوند که نظر داور را اجرا کنند. داوری در دانش حقوق، در مقابل دادگستری قرار دارد. برای آنکه فرق میان داوری و دادگستری را بدانیم، لازم است ابتدا شباهت میان آنها را بدانیم. شباهت داوری و دادگستری در چیست؟ داوری و دادگستری هر دو روش یا آیین یا مکانیزمی برای حل و فصل اختلاف هستند. انسان‌ها زمانی به داوری یا دادگستری روی می‌آورند که اختلافی داشته باشند و خودشان هم

نتوانسته باشند با مذاکره و گفتگو اختلاف‌شان را حل کنند و به نتیجه‌ای برسند. در حقیقت نیاز دارند که شخص ثالثی، اختلاف آنها را حل کند و رأی صادر کند. اما تفاوت آنها در اینجاست که در داوری شخص رسیدگی کننده به اختلاف که به او داور می‌گوییم، توسط طرفین اختلاف انتخاب می‌شود اما در دادگستری، شخص رسیدگی کننده به اختلاف که به او قاضی می‌گوییم، توسط طرفین اختلاف نمی‌شود. طرفین دعوی حق ندارند که قاضی خود را انتخاب کنند، بلکه قاضی توسط حکومت انتخاب می‌شود و عهده دار شغل قضاوت می‌گردد و به دعوی که به وی ارجاع می‌شود رسیدگی می‌کند. این مطلب، تفاوت اساسی میان داوری و دادگستری است.

تعریف داوری در حقوق ایران

قانون داوری تجاری بین‌المللی، داوری را اینگونه تعریف کرده است:

داوری عبارتست از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه، به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی‌الطرفین یا انتصابی. منظور از متداعیین، همان طرفین اختلاف است که به آنها خواهان و خوانده می‌گوییم. در این تعریف چند نکته به چشم می‌خورد. یکی اینکه داوری، آیینی برای حل و فصل اختلاف است. دوم اینکه داوری، متضمن حل اختلاف در خارج از دادگاه است. سوم اینکه داوری توسط اشخاص مورد رضایت طرفین اختلاف انجام می‌گیرد و چهارم اینکه داوری هم می‌تواند توسط اشخاص حقیقی انجام گیرد و هم توسط اشخاص حقوقی. شخص حقیقی همان انسان‌ها هستند و شخص حقوقی، موجودیت‌هایی غیر از انسان‌ها هستند که قانونگذار آنها را واجد صلاحیت دارا شدن و اجرای حقوق و تکالیف می‌داند. مانند شرکت‌ها، موسسات، سازمان‌ها و نهادها. طرفین اختلاف، همانگونه که می‌توانند اشخاص حقیقی را به عنوان داور برای حل و فصل اختلافات خود انتخاب کنند، می‌توانند اشخاص حقوقی را نیز به عنوان داور اختلافات خود برگزینند.

مفهوم تجاری بودن داوری

اکنون که با کلمه اول از سه کلمه «داوری»، «تجاری» و «بین‌المللی» آشنا شدیم، بهتر است با دو کلمه دیگر نیز آشنا شویم. می‌توان گفت تجاری یعنی آنچه به تجارت و بازرگانی و کسب و کار مربوط است. البته اگر کسی با معنای کلمه تجارت آشنا نباشد، بعید است که معنای کلمات بازرگانی و کسب و کار را هم بداند. پس سعی می‌کنیم به نحو ساده‌تری این عبارت را توضیح دهیم. تجاری یعنی اعمالی که در ماده ۲ قانون تجارت، به عنوان عمل تجاری ذکر شده‌اند. اما اولاً همه افراد با ماده ۲ قانون تجارت آشنا نیستند. ثانیاً عبارات ماده ۲ قانون تجارت، آنقدر مبهم و مفصل هستند که بعید است بتوان با چند جمله ساده آنها را توضیح داد. بنابراین باید باز

هم به زبان ساده‌تری بیان کرد که به چه کاری، عمل تجاری می‌گوییم. عمل تجاری، عملی است که به قصد کسب سود انجام می‌شود. در داوری تجاری، به داوری در اختلافات اشخاص در موضوعات تجاری می‌پردازیم. یعنی افرادی که با یکدیگر تجارت می‌کنند، گاهی اوقات به اختلافاتی بر می‌خورند که نمی‌توانند خودشان با گفتگو و مذاکره آنها را حل کنند. در اینجا آنها ترجیح می‌دهند که به جای اینکه برای حل اختلاف میان خودشان به دادگاه بروند، از روش داوری استفاده کنند. یعنی داور یا داورانی را منصوب کنند تا به اختلاف آنها رسیدگی نماید. البته وقتی می‌گوییم «داوری تجاری» حتماً منظورمان این نیست که طرفین اختلافی که در مورد آن داوری می‌شود، تاجر هستند. در حقیقت گاهی اوقات ممکن است که اشخاصی که تاجر نیستند، یک اختلاف تجاری داشته باشند. مثلاً ممکن است شخصی که شغل تجارت ندارد و تجارت را به عنوان شغل و پیشه خود انتخاب نکرده است، یک معامله تجاری انجام دهد و در آن معامله با طرف مقابل اختلاف پیدا کند و به داوری روی بیاورد. چنین داوری‌ای هم یک «داوری تجاری» است، هرچند طرفین اختلاف، تاجر نیستند. حال ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا داوری غیر تجاری هم وجود دارد؟ به عبارت دیگر، وقتی می‌گوییم «داوری تجاری»، آیا به دنبال این هستیم که ذهن خواننده به سراغ نوع دیگری از داوری نرود؟ پاسخ مثبت است. در کنار داوری تجاری، حداقل دو نوع دیگر داوری وجود دارند که ممکن است با آن اشتباه گرفته شوند و به این جهت است که قید تجاری را پس از داوری حتماً می‌آوریم. اولین نوع داوری که در حقوق داخلی کاربرد دارد، داوری خانوادگی است. تقریباً در تمامی کشورها از دیرباز مرسوم بوده است که هنگامی که زن و شوهری اختلاف پیدا می‌کرده‌اند، ابتدا سعی می‌کردند با بحث و صحبت با یکدیگر مشکل را رفع نمایند. اگر به این ترتیب مشکل حل نمی‌شد، شخص یا اشخاصی از اقوام و خویشاوندان و یا حتی دوستان را داور قرار می‌دادند تا به اختلافات میان آنها رسیدگی کند این کار که از دیرباز به صورت غیر رسمی انجام می‌شد، امروزه حالت رسمی نیز پیدا کرده است. یعنی دادگاه‌ها مکلف هستند که پیش از آنکه رأی طلاق یا جدایی زن و شوهر از یکدیگر را صادر کنند، پرونده را به داوری ارجاع دهند و به این ترتیب سعی کنند تا در صورت امکان صلح و سازشی میان آنها برقرار کنند و اگر داوری، موثر نبود و داوران به این نتیجه رسیدند که زن و شوهر دیگر نمی‌توانند با یکدیگر زندگی مشترکی داشته باشند، در این صورت دادگاه می‌تواند رأی طلاق صادر نماید. پس یک داوری دیگر هم داریم که عبارتست از داوری خانوادگی و این داوری، جزء داوری‌های غیر تجاری است. داوری دیگری نیز وجود دارد و به آن داوری بین‌المللی می‌گوییم. داوری بین‌المللی، داوری بین دو دولت است. همانطور که ممکن است اشخاص، اختلافاتی پیدا کنند و با مذاکره و سخن گفتن نتوانند آن را حل نمایند و به نتیجه‌ای برسند، دولت‌ها نیز ممکن است اختلافاتی پیدا کنند و با مذاکره نتوانند آنها را حل کنند. البته به طور سنتی یکی از راه‌های حل و فصل اختلاف، جنگ بوده است. یعنی دولت‌ها هنگامی که با اختلاف غیر قابل حلی برخورد می‌کرده‌اند، سعی می‌کردند با توسل به زور اختلاف را حل کنند. اما جنگ، گذشته از اینکه راه حل متمدانه‌ای نیست، راه حل پر هزینه‌ای هم هست و نتیجه آن هم مشخص نیست. علاوه

بر این، در حقوق بین‌الملل معاصر، جنگ به عنوان ابزار سیاست خارجی منع شده است. اینکه چرا با این حال هنوز هم جنگ وجود دارد، پاسخ مفصلی دارد که در درس حقوق بین‌الملل عمومی به آن پرداخته می‌شود. خلاصه اینکه اگر دولت‌ها با مذاکره نتوانند با مذاکره اختلافات خود را حل کنند و در عین حال نخواهند یا نتوانند به زور یا جنگ متوسل شوند، باید راه حل‌های بینابینی وجود داشته باشد تا از آن طریق اختلافات خود را حل و فصل نمایند و یکی از مهم‌ترین راه حل‌های بینابین، داوری است. داوری در روابط بین دولت‌ها یعنی اینکه دو دولت که با یکدیگر اختلاف دارند، شخص یا اشخاصی را حکم یا داور قرار دهند تا به اختلاف میان آنها رسیدگی کند و رأی خود را صادر کند و این رأی برای آنها لازم‌الاجرا باشد. در حقوق بین‌الملل معاصر، نمونه‌های بسیاری از داوری را مشاهده می‌نماییم و تحلیل قواعد راجع به داوری بین‌دولت‌ها و تشریفات و آثار آن، موضوع بحث مفصلی در حقوق بین‌الملل عمومی است.

تجاری بودن داوری در حقوق ایران

قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، تجاری بودن داوری را در بند ۱ از ماده ۲ به این شرح تعریف کرده است: داوری اختلافات در روابط تجاری بین‌المللی اعم از خرید و فروش کالا و خدمات، حمل و نقل، بیمه، امور مالی، خدمات مشاوره‌ای، سرمایه‌گذاری، همکاری‌های فنی، نمایندگی، حق‌العمل‌کاری، پیمانکاری و فعالیت‌های مشابه مطابق مقررات این قانون صورت خواهد پذیرفت. نکته‌ای که در خصوص این بند باید بدان توجه داشت این است که اموری که در این ماده ذکر شده‌اند تنها به عنوان مثال ذکر شده‌اند و به عبارت دیگر، موارد مذکور در این بند، حصری نیستند یعنی می‌توان امور تجاری دیگری را نیز بر آنها افزود. به طور کلی هر امری، امر تجاری تلقی شود، داوری راجع به آن نیز، داوری تجاری خواهد بود.

مفهوم بین‌المللی بودن داوری

نوبت می‌رسد به سومین کلمه از کلمات یاد شده، یعنی «بین‌المللی». بین‌المللی در مقابل داخلی قرار دارد. اختلافات حقوقی به دو دسته «داخلی» و «بین‌المللی» تقسیم می‌شوند. اگر بخواهیم خیلی ساده اختلافات بین‌المللی و اختلافات داخلی را توضیح دهیم باید بگوییم اختلافات داخلی، اختلافاتی هستند که به یک کشور مربوط می‌شوند، در حالی که اختلافات بین‌المللی به دو یا چند کشور مربوط می‌شوند. وقتی می‌گوییم اختلافاتی که به دو یا چند کشور مربوط می‌شوند، منظور ما این است که با اختلافی سر و کار داریم که در آن حداقل یک موضوع یا مسأله خارجی وجود دارد. اگر یکی از طرفین، خارجی بود یا موضوع قرارداد در خارج از کشور قرار داشت و یا قرارداد در خارج از کشور تنظیم شده بود، ما با یک اختلاف بین‌المللی مواجه بودیم. اگر بخواهیم با زبان دقیق حقوقی در این مورد بحث کنیم، باید بگوییم اختلاف بین‌المللی، اختلافی است که در

آن حداقل یک عنصر خارجی وجود دارد. عنصر خارجی البته می‌تواند شامل امور مختلفی گردد. مانند تابعیت خارجی یکی از طرفین یا وقوع مال مورد اختلاف در کشور خارجی یا انعقاد قرارداد در خارج از کشور و مانند آن. در چنین مواردی ما با اختلاف بین‌المللی روبرو هستیم و نه اختلاف داخلی تعیین داور، امری است که باید بر اساس قانون انجام شود. یعنی در هر کشوری، مقرراتی وجود دارد که مشخص می‌کند داور باید چگونه انتخاب شود، وقتی انتخاب شد، چه وظایفی بر عهده دارد، باید چگونه داوری کند و غیره. به طور کلی در هر جایی که مسأله تعارض قوانین وجود داشته باشد، مسأله ما دیگر مسأله داخلی نیست و یک مسأله بین‌المللی به شمار می‌رود. یا به عبارت بهتر با ورود عنصر خارجی، داوری نیز داوری بین‌المللی می‌شود.

بین‌المللی بودن داوری در حقوق ایران

اگرچه ورود عنصر خارجی - خواه آن عنصر خارجی، تابعیت خارجی یکی از طرفین باشد و خواه، واقع شدن مال مورد اختلاف در خارج کشور و خواه هر عنصر خارجی دیگری - داوری را تبدیل به یک داوری بین‌المللی می‌کند، اما در حقوق ایران، داوری بین‌المللی چنین تعریف وسیعی ندارد. به عبارت دیگر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، مصوب سال ۱۳۷۶ تنها آن داوری‌هایی را داوری‌های بین‌المللی تلقی می‌کند که در آنها، یکی از طرفین اختلاف، در هنگام انعقاد موافقت‌نامه داوری، به موجب قوانین تبعه ایران نباشد. بند «ب» از ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی، داوری بین‌المللی را اینگونه تعریف می‌کند:

داوری بین‌المللی عبارتست از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقت‌نامه داوری، به موجب قوانین، تبعه ایران نباشد.

بر اساس این بند، در صورتی که دو طرف اختلاف، ایرانی باشند، داوری راجع به آن اختلاف، داوری بین‌المللی نخواهد بود و یک داوری داخلی محسوب می‌گردد و لذا مشمول قواعد و احکام مندرج در قانون داوری تجاری بین‌المللی نیز نخواهد بود.

تشخیص این نکته که آیا طرفین اختلاف، ایرانی هستند یا خارجی، بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی به عمل خواهد آمد. در حقوق ایران، قانون مدنی در مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ احکام تابعیت را مشخص کرده است و لذا هر کسی که بر اساس آن مواد، تابعیت ایران را داشته باشد، ایرانی محسوب می‌گردد. اگر هر دو طرف اختلاف، ایرانی باشند، داوری نیز داوری داخلی خواهد بود و داوری بین‌المللی نیست حتی اگر مال موضوع اختلاف در خارج واقع شده باشد، یا اقامتگاه طرفین اختلاف در خارج باشد یا قرارداد داوری در خارج از کشور منعقد شده باشد.

مزایای داوری تجاری بین‌المللی

پس از آنکه با مفهوم داوری تجاری بین‌المللی آشنا شدیم، نوبت به مزایای داوری تجاری بین‌المللی می‌رسد، مقصود از مزایای داوری تجاری بین‌المللی این است که داوری تجاری بین‌المللی به چه کار می‌آید؟ چرا ما از مکانیزم یا آیین داوری تجاری بین‌المللی استفاده می‌نماییم. چرا از آیین دادگستری استفاده نمی‌کنیم و به سراغ دادگاه‌ها نمی‌رویم. مگر نه این است که یکی از وظایف هر حکومتی این است که دادگاه‌هایی برپا کند تا به اختلافات میان افراد رسیدگی نمایند؟ و مگر نه این است که تمامی حکومت‌ها چنین کاری را انجام داده‌اند؟ پس چه نیازی وجود دارد که از رفتن به نزد دادگاه‌های حاضر و آماده صرف نظر نماییم و خودمان دیوان‌های داوری ایجاد نماییم؟

پاسخ به این پرسش را با برشمردن مزایای داوری تجاری بین‌المللی نسبت به دادگستری می‌توانیم بدهیم. مزایای داوری تجاری بین‌المللی نسبت به دادگستری را به طور خلاصه در سه مورد می‌توان بیان کرد که عبارتند از سرعت بیشتر داوری، تخصصی بودن داوری، هزینه‌های کمتر داوری.

سرعت بیشتر داوری در مقایسه با دادگستری

به طور کلی فرایند داوری از سرعت بیشتری نسبت به دادگستری برخوردار است. چرا؟ چون در اکثر کشورها، دستگاه‌های قضایی (یا همان دادگاه‌ها) با تراکم پرونده‌ها روبرو هستند و وقت اندکی برای رسیدگی به پرونده‌های بسیار دارند. این امر باعث می‌شود که روند رسیدگی به پرونده‌ها به طور کلی کند باشد. یک قاضی در طول روز باید به تعداد زیادی پرونده رسیدگی کند و زیاد بودن پرونده‌ها باعث می‌شود هم دقت و هم سرعت وی در رسیدگی به پرونده‌ها کاهش پیدا کند. یکی از راه‌های گریز از این مشکل، این است که به جای دادگستری از فرایند داوری استفاده نماییم. فرایند داوری دارای این حسن است که می‌توان پرونده را به داوری ارجاع داد که تنها همین پرونده ما را در دست رسیدگی داشته باشد. لذا داور منتخب ما وقت بیشتری برای صرف نمودن بر روی پرونده ما خواهد داشت.

از سوی دیگر، دادگستری تشریفات پیچیده و مفصلی دارد. انجام این تشریفات، ضروری است تا هیچ‌یک از طرفین نتواند در جریان دادرسی حق طرف دیگر را تضییع نماید و سخن هر دو طرف دعوی شنیده شود. بخشی از اجرای این تشریفات، توسط دستگاه دیوانی قوه قضائیه انجام می‌شود، که آن هم به دلیل دولتی بودن، با ناکارآمدی‌های خاص خود روبروست. به همین دلیل امور ساده‌ای مانند ابلاغ وقت دادرسی به طرفین، گاه می‌تواند رسیدگی به قضیه و صدور رأی را تا ماه‌ها به تأخیر اندازد. اما داوری چنین تشریفات پیچیده‌ای ندارد. درست است که داوری هم در هر حال برخی از تشریفات را دارد اما این تشریفات نسبت به آنچه که در

دادگستری رعایت می‌شود و باید رعایت شود بسیار کمتر است. علاوه بر این برای اجرای این تشریفات، نیاز به دستگاه کند و هزینه بر دولتی نیست.

تخصیصی بودن داوری

هنگامی که اختلافی پیدا می‌کنیم و برای حل و فصل اختلاف خود به دادگاه مراجعه می‌کنیم، یک قاضی به پرونده ما رسیدگی می‌کند. قاضی اگر نگوییم در تمامی نظام‌های حقوقی، لااقل در اکثر آنها کسی است که در رشته حقوق تحصیل کرده است. قاضی قوانین و مقررات را می‌شناسد اما کسب و کار ما را که بر سر آن اختلاف پیدا کرده‌ایم نمی‌شناسد. فرض کنید من و شما تاجر نفت باشیم و بر سر این قضیه اختلاف نظر پیدا کرده باشیم که در تجارت نفت، کالا باید در بند مبداء تحویل داده شود یا در بند مقصد. یکی از ما معتقد است که عرف تجار نفت این است که نفت را در بند مبداء تحویل می‌دهند و دیگری بر این باور است که عرف تجار نفت بر خلاف این است و باید نفت در بند مقصد تحویل داده شود. در چنین موردی چه کسی می‌تواند به بهترین نحو میان طرفین داوری نماید؟ روشن است که یک تاجر نفت که در این عرصه تخصص داشته باشد بهتر از هر کس دیگری می‌تواند میان طرفین داوری نماید و برای طرفین اختلاف مزبور بهتر است که چنین شخصی را برای داوری میان خود انتخاب کنند. اما همانطور که در ابتدای این نوشته اشاره کردیم، افراد نمی‌توانند قاضی اختلافات میان خود را انتخاب نمایند و لذا اگر می‌خواهند که یک متخصص به اختلاف میان آنها رسیدگی نماید، بهتر است که یک داور را انتخاب نمایند که به اختلاف رسیدگی کند.

هزینه‌های کمتر داوری در مقایسه با دادگستری

قبلاً گفتیم که یکی از وظایف هر حکومتی این است که مراجعی را برای رسیدگی به اختلافات میان افراد و حل و فصل آنها ایجاد نماید و حکومت‌ها نیز همگی چنین مراجعی را ایجاد می‌نمایند. اما اینکه حکومت، تکلیف دارد که مراجعی را جهت حل اختلافات میان اشخاص ایجاد نماید، به این معنا نیست که مراجع مزبور، مکلف باشند که مجانی و بدون دریافت هزینه از افراد، به اختلافات میان افراد رسیدگی نمایند. در حقیقت، یکی از منابع درآمد دولت، درآمدی است که از طریق هزینه‌های دادرسی بدست می‌آورد. این هزینه‌ها در دعاوی تجاری معمولاً به صورت درصدی از خواسته معین می‌شوند. مثلاً قید می‌شود که هزینه دادرسی عبارتست از یک درصد خواسته. در این صورت، هر چقدر خواسته (یعنی آنچه که بر سر آن میان دو طرف اختلاف وجود دارد) بیشتر باشد، هزینه‌های دادرسی هم بیشتر خواهد بود. علاوه بر این هزینه‌های دیگری همانند هزینه برابر اصل کردن اوراق و اسناد، نقش تمبر و . . . نیز وجود دارد که باید پرداخته شود. اما در داوری تجاری بین‌المللی، هزینه‌ها علی‌الاصول منوط به توافق طرفین و داور هستند و می‌توان هزینه‌ها را با توافق طرفین یاد

شده به میزانی کمتر از هزینه‌های دادگستری قرار داد. بنابراین مزیت سوم داوری در مقایسه با دادگستری، کمتر بودن هزینه‌های آن نسبت به داوری است.